

نگاهی گذرا به عملکرد لژیونرهای فوتبال ایران در فصلی که گذشت

ستاره‌های خوب، بد و بدتر

گزارش
فریدون حسن
دنیاچیدری

فصل فوتبال در بیشتر نقاط جهان با به پایان رسیدن یا هفته آخر خود را پشت سر می‌گذراند؛ فصلی مثل همیشه پر از حاشیه‌ها و سو و صداها و اتفاقاتی که مختص فوتبال است و در هیچ رشته دیگری نمی‌توان سراغی از آنها گرفت.

فوتبال ایران با داشتن لژیونرهای متعدد در فوتبال آسیا و اروپا حالا برای خودش اسم و رسمی دارد؛ لژیونرهای نامداری که هر چند رفته رفته یا به سن گذاشته‌اند و بیشترشان سال‌های پایانی دوران بازی خود را پشت سر می‌گذارند اما هنوز هم نقش امید و اتکای فوتبال ایران به خصوص تیم ملی محسوب می‌شوند و آمادگی و سرحال بودن آنها باعث قدرتمند بودن

فوتبال ملی ایران است. حضور در لیگ‌های معتبر اروپایی و تیم‌های مطرح آسیایی از ستاره‌های فوتبال ایران چهره‌هایی بین‌المللی ساخته که بیشترشان برای تیم‌های‌شان مؤثر و بازیکنان شاخصی هستند، البته باید اذعان کنیم که فصل فوتبالی که تمام شد چندان برای لژیونرهای فوتبال ایران به خصوص آنها که در اروپا یا به توپ بودند، خوب نبود و برخلاف سال‌های قبل چندان چنگی به دل نزد؛ فصلی که برای برخی فقط خوب بود، برای برخی دیگر بد و برای عده‌ای از آنها فاجعه‌بار و حالا با پایان این فصل فوتبال ایران امیدواری وجود دارد که برای فصل پیش رو لژیونرهای فوتبال ایران باز هم در سطح آسیا و اروپا بدرخشند.

آنچه در پی می‌آید بررسی وضعیت شش ستاره ملی‌پوش ایران

در فوتبال باشگاهی اروپا و آسیا طی فصل گذشته است؛ شش ستاره‌ای که امیرقلعه‌نویی به عنوان سرمربی تیم ملی حساب ویژه‌ای روی آماده بودن آنها باز کرده تا بتواند تیمی قدرتمند را راهی رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ کند، البته فوتبال ایران به جز این شش ستاره لژیونرهای دیگری هم دارد که هر کدام به نوبه خود می‌توانند کمک حال فوتبال ایران در رقابت‌های بین‌المللی باشند. از جمله این بازیکنان می‌توان به سامان قدوس، شهریار مغانلو، صادق محرمی، شهاب زاهدی و احمد نوراللهی اشاره کرد که هر چند نسبت به بقیه بازیکنان شاغل در فوتبال اروپا و آسیا کمتر جلوی چشم بودند اما تلاش خود را کردند تا هر طور شده هم برای تیم‌های‌شان مؤثر باشند هم بتوانند نام فوتبال ایران را در جای جای این کره خاکی سربلند کنند.



فصل خاکستری «طارمی»

چون طارمی که در پورتو به طور متوسط بالای ۱۵ گل در هر فصل به ثمر می‌رساند، ناکامی محض بود. طارمی مجموعاً هزار و ۵۰۸ دقیقه در این فصل برای اینتر به میدان رفت و سه گل زد و شش پاس گل داد؛ آماري که نشان از تأثیرگذاری محدود او در فاز هجومی اینتر دارد، با وجود این امنی‌توان عملکرد خوب او در مقاطع حساس چه در لیگ قهرمانان اروپا و چه هفته‌های پایانی لیگ را نادیده گرفت.

پاس حیاتی‌س او در دقیقه ۹۹ بازی نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا مقابل بارسا که به حذف کاتالان‌ها منجر شد و همچنین پاس آخرین گل اینتر در این فصل از رقابت‌های سری آ تنها دو نمونه کوچک از تأثیرگذاری‌های او در مقاطع حساس برای نراتزوری است. طارمی همچنین با وجود پشت سر گذاشتن فصلی متوسط، موفقیت‌های فردی را از آن خود کرد. برای نمونه او که با پورتو نهایتاً تا یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا رفته بود و چون دابی شانس حضور در دیدار پایانی چمپیونزلیگ را نداشت، در ترکیب اینتر به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان راه یافت و در ۳۰ دقیقه پایانی دیدار با کاتالان‌ها وارد میدان شد و در وقت‌های اضافه با هنرنمایی خود تیمش را راهی فینال چمپیونزلیگ کرد تا رکورد ۲۶ساله دابی را بشکند.



پرتغال را با یک دنیا امید و آرزو به مقصد ایتالیا ترک کرد. بعد از چند سال در خوش در پورتو و کسب عنوان‌هایی چون آقای گلی، این بار به دنبال تجربه حضور در یکی از پنج لیگ معتبر دنیا بود و بازی کردن در سطح اول فوتبال اروپا. اینتر می‌توانست فرصتی طلایی برای طارمی باشد تا توانایی‌های خود را به رخ بکشد. با نگاهی به عملکرد او در پرتغال، انتظار می‌رفت طارمی به عنوان مهاجم مکمل و حتی نیمکت‌نشین با کیفیت خیلی زود در جمع افعی‌ها نیز به مهره اصلی و تأثیر تبدیل شود، خصوصاً که قرار داشت با اینتر دو ساله بود و شامل گزینهای جهت تمدید آن برای یک سال بیشتر. اوضاع اما در نراتزوری برای طارمی انظور که تصور می‌کرد و انتظار داشت پیش نرفت و او رسماً در ۹۰ درصد بازی‌ها نیمکت‌نشین بود و جایی در تفکرات و ترکیبی که اینترازگی روانه میدان می‌کرد، نداشت چراکه اینترازگی بیشتر به سرعت و حرکت بدون توپ شوبار داشت و اینتر با این سیستم بازی می‌کرد، در حالی که طارمی بیشتر مهاجمی توپ‌نگه‌دار و فرصت‌طلب بود و همین ناهماهنگی کامل با سیستم بازی اینترازگی در نراتزوری باعث شد مهاجم ایرانی افعی‌ها فصل را با آمار گلزنی پایینی به انتها برساند، به طوری که در تمام طول فصل تنها سه گل به ثمر رساند و این برای مهاجمی

آرام و بی سروصدا مثل «عزت‌اللهی»

فوتبال ایران اینگونه تحلیل می‌کنند: «دوباره در پنجره نقل و انتقالات شایعات در مورد آینده این بازیکن و به خصوص احتمال بازگشت او به ایران شکل گرفته که البته چندان هم جای تعجب ندارد و یک گمانه‌زنی تکراری در فوتبال ایران محسوب می‌شود. سعید عزت‌اللهی در سال‌های گذشته بیشترین تعداد لیکن را از بین بازیکنان لژیونر داشت و تقریباً در هر پنجره این اتفاق برای او رخ می‌داد اما این بازیکن بعد از ترک اروپا هم ترجیح داد با قراردادی مطلوب راهی الاهلی شود. حالا بار دیگر با توجه به جدایی دو هافبک دفاعی پرسپولیس، در مورد احتمال انتقال او به پرسپولیس خبرهایی منتشر شده اما هیچ یک صحت‌وسقم موردنظر را ندارند و این انتقال در پنجره تابستانی پیش‌رو هم انجام نخواهد شد. عزت‌اللهی شخصاً ترجیح می‌دهد تا پایان قراردادش در الاهلی بماند و با توجه به حضور این تیم در لیگ نخبران، فصل آینده هم پیراهن سرخ را بر تن خواهد کرد. او همچنین امیدوار است فصل آینده بعد از جام جهانی پیشنهاد اروپایی بگیرد تا شاید دوباره با بازگشت به قاره سبز لژیونر اروپایی تیم ملی لقب بگیرد.»

حالا باید منتظر ماند و دید که سرنوشت چه چیزی را رقم می‌زند، هر چند عزت‌اللهی همچنان می‌خواهد در امارات باقی بماند.



هافبک دفاعی تیم ملی ایران؛ بازیکنی که به ندیدنش در فوتبال ایران عادت کرده‌ایم، هر سال در فصل نقل و انتقالات فوتبال ایران یک پای ثابت حضور در لیگ برتر است. سعید عزت‌اللهی درست مثل سردار آزمون فصلی کاملاً موفق را در شتاب الاهلی پشت سر گذاشت؛ فصلی که با قهرمانی به پایان رسید و در کنارش موفقیت‌های دیگر تا حسابی عزت‌اللهی را پاکیر امارات و شتاب الاهلی کند.

هافبک دفاعی ۲۸ساله فوتبال ایران که دومین فصل حضور در لیگ امارات را پشت سر می‌گذارد، این فصل ۱۹بازی در این لیگ انجام داده تا یکی از بانبات‌ترین بازیکنان تیم شتاب الاهلی باشد. او همچنین شش گل برای تیمش به ثمر رسانده تا نقش خود را در قهرمانی الاهلی ایفا کند، البته جز این هم از بازیکن آرام تیم ملی ایران انتظار نمی‌رفت. نکته مهم در مورد عزت‌اللهی اینکه او با کمترین حاشیه مشکلات همیشه کار خودش را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهد و حتماً هم به همین دلیل است که هیچ تیمی حاضر نیست به راحتی او را از دست بدهد و البته که به همین دلیل است وقتی فصل نقل‌وانتقالات آغاز می‌شود، عزت‌اللهی با وجود داشتن قرارداد خریداران زیادی هم دارد. رسانه‌ها در خصوص احتمال حضور عزت‌اللهی در

آقای گلی آسیا برای «سردار»

جای گذاشت. آزمون در مراحل گروهی و حذفی لیگ قهرمانان آسیا ۲ یکی از بهترین بازیکنان تیمش بود و حتی در دو مسابقه هم استراحت کرد، اما در ۹بازی ثابت و تعویضی آمار ۹گل را به ثبت رساند تا صدرنشین جدول برترین گلزنان این رقابت‌ها شود.

شتاب الاهلی هر چند نتوانست به مرحله نیمه نهایی و فینال لیگ قهرمانان آسیا صعود کند اما حتی این مسئله هم تأثیری برای آقای گلی سردار در این مسابقات نداشت و در نهایت او با وجود غیبت در دو دیدار نیمه نهایی و فینال با همان ۹گل آقای فوتبال آسیا شد تا فصل موفق خود در شتاب الاهلی را با این موفقیت به پایان برساند. سردار در فصل موفق‌گی که با شتاب الاهلی پشت سر گذاشت، موفق به کسب عنوان قهرمانی امارات و سه جام دیگر هم شد؛ موفقیت‌هایی که نقش مهاجم تیم ملی ایران در به دست آوردن آن غیرقابل انکار است. خبرها حاکی است سردار فعلاً در امارات و شتاب الاهلی ماندگار است و قرار است همچنان برای آنها بازی کند، او تأکید کرده که فصل بعد هم در شتاب الاهلی می‌ماند و امیدوار است در لیگ نخبران آسیا شد، این روند در خشان را در لیگ قهرمانان آ هم ادامه داد و در شرایطی که ۹بازی در دور گروهی و حذفی برای شتاب الاهلی انجام داد، آمار در خشانی از حیث گلزنی بر



البته عادت کرده بودیم که سردار آزمون مهاجم گلزن تیم ملی کشورمان را در ترکیب تیم‌های مطرح اروپایی ببینیم اما وقتی او سال قبل ناگهان مسیرش را از ایتالیا و رم به امارات و شتاب الاهلی تغییر داد و در حاشیه خلیج همیشه فارس آرام گرفت، آن وقت مشخص شد که او می‌خواهد تجربه تازه‌ای را برای خودش رقم بزند. سردار قبل از حضور در امارات دو فصل نه چندان خوب را در لور کوزن و اش‌رم پشت سر گذاشت و شاید یکی از دلایلی که امارات را انتخاب کرد، این بود که نیمکت‌نشین را دوست نداشت؛ دلیلی قانع‌کننده که باعث شد سردار هم بیشتر بازی کند، هم بیشتر گل بزند و هم بیشتر جلوی چشم باشد.

هر چند سطح فوتبال امارات به هیچ عنوان قابل مقایسه با سطح فوتبال باشگاهی اروپا نیست اما انتخاب سردار آزمون باعث شد او حداقل از نیمکت جدا و دوباره به چهره تأثیرگذار فوتبال ملی ایران تبدیل شود. آزمون فصلی کاملاً موفق را پشت سر گذاشت؛ فصلی که در نهایت به آقای گلی او در لیگ قهرمانان آسیا انجامید. ستاره خط حمله ایران پس از اینکه در مسابقه پلی آف لیگ نخبران آسیا مقابل سپاهان موفق به گلزنی شد، این روند در خشان را در لیگ قهرمانان آ هم ادامه داد و در شرایطی که ۹بازی در دور گروهی و حذفی برای شتاب الاهلی انجام داد، آمار در خشانی از حیث گلزنی بر

کولاک «قائدی» در امارات

به ثمر نرسیدند و کارهای گروهی نیز نقش اساسی در آن ایفا کردند. در واقع قائدی این فصل کار گروهی را به نمایش گذاشت و شاید به واسطه همین تغییر دیدگاه و پیشرفت مشهود بود که نتوانست به ستاره بی‌بدیل تیمش و یکی از بهترین‌های لیگ امارات تبدیل شود و نگاهی‌را به خود خیره کند، به طوری که حالا انتظار می‌رود این بازیکن ریزشش به جای بازی در تیم‌های حاشیه خلیج همیشه فارس، به حضور در فوتبال اروپا بیندیشد.

در واقع نوع بازی قائدی به گونه‌ای است که دست مربی برای جابه‌جایی او در زمین باز است، به همین دلیل او که این فصل عمدتاً به عنوان وینگر چپ یا مهاجم دوم برای کلبا به میدان رفت، در چند بازی هم به عنوان بازی‌ساز در پشت مهاجم اصلی ایفای نقش کرد. در واقع او این فصل تنها در گلزنی یکی از برترین‌ها نبود و در دادن پاس‌های کلیدی، ایجاد موقعیت‌های حساس، موفقیت در دربل‌زنی، لمس توپ به خصوص در محوطه جریمه و انجام کار گروهی تیمی نیز یک ستاره برای کلبا بود، به همین دلیل هم است که گه‌ت می‌شود نگاه تیم‌هایی از اروپا را به خود جلب کرده و به نظر می‌رسد با کسب تجربه موفق‌گی که از حضور در کلبا و لیگ امارات به دست آورده حالا زمان آن رسیده است به فوتبال فراتر از امارات و کشورهای حاشیه خلیج همیشه فارس بیندیشد.



مهدی قائدی در کلبای امارات، یکی از بهترین فصل‌های خود را پشت سر گذاشت؛ فصلی که با درخشش بی‌چون و چرای این ستاره ریزشش همراه بود. او این فصل هم مانند فصل گذشته بارها و بارها عنوان بهترین بازیکن هفته لیگ امارات را به خود اختصاص داده بود، دست آخر این فصل از لیگ حرفه‌ای امارات موسوم به اندوک را در شرایطی به پایان برد که با به ثمر رساندن ۱۶گل و دادن هفت پاس گل در ۲۳بازی، نه فقط روی ۲۳گل زده تیمش تأثیرگذار بود که نتوانست در رده دوم جدول بهترین گلزنان این لیگ قرار گیرد، آن هم در شرایطی که نه به عنوان مهاجم که به عنوان وینگر در این فصل برای کلبا به میدان رفته بود، اما نتوانست یکی از بهترین فصل‌های فوتبالی خود را رقم بزند. بدون شک قائدی را به واسطه حرکات انفجاری و دربل‌زنی‌هایش می‌شناسند، اما او این فصل توانایی‌های دیگری هم در زمینه کار گروهی، خلق موقعیت برای خود و هم‌تیمی‌هایش، در گیر کردن مدافعان کنتری حریفان و ایجاد فضا برای مهاجمان مرکزی نیز به نمایش گذاشت تا به ستاره بی‌چون و چرای کلبا تبدیل شود، اما شاید مهم‌ترین مسئله در خصوص باشوی کوچک فوتبال ایران که نشان از پیشرفت او داشت، تنوع در گل‌هایی بود که به ثمر رساند؛ گل‌هایی که صرفاً روی خلاقیات‌ها و حرکات فردی

در بل‌زنی‌هایش می‌شناسند، اما او این فصل توانایی‌های دیگری هم در زمینه کار گروهی، خلق موقعیت برای خود و هم‌تیمی‌هایش، در گیر کردن مدافعان کنتری حریفان و ایجاد فضا برای مهاجمان مرکزی نیز به نمایش گذاشت تا به ستاره بی‌چون و چرای کلبا تبدیل شود، اما شاید مهم‌ترین مسئله در خصوص باشوی کوچک فوتبال ایران که نشان از پیشرفت او داشت، تنوع در گل‌هایی بود که به ثمر رساند؛ گل‌هایی که صرفاً روی خلاقیات‌ها و حرکات فردی

«قلی‌زاده» تنها قهرمان اروپایی

باشد. نکته جالب که اتفاقاً اکثر کارشناسان لهستانی به آن اشاره داشتند، روند متفاوت قلی‌زاده در دو فصل پی‌درپی بود. او در حالی امسال یکی از مهره‌های اصلی خط حمله تیمش برای بالا بردن جام و کسب نهمین قهرمانی بود که فصل پیش، به دلیل مصدومیت‌های مداوم کمتر فرصت حضور در ترکیب لخ‌پوزنان را داشت اما این فصل بار دیگر از صفر خلق شد و نمایشی قابل قبول و تحسین برانگیز از خود به نمایش گذاشت و پاسخ اعتمادی را که به او شده بود، به بهترین شکل ممکن داد و با ارائه یک عملکرد استثنایی، به خصوص در پنج هفته متوالی و منتهی به پایان فصل لیگ استر اکلاسی لهستان سه گل حساس و تماشایی به ثمر رساند و دو پاس گل داد تا تیمش را از رتبه دوم به صدر جدول برگرداند و همین کامیک دبنی زمینه‌ساز کسب نهمین قهرمانی لخ‌پوزنان در لیگ لهستان شد. تیم قلی‌زاده با برتری مقابل پیاست گلیویتسه در هفته سسی و چهارم و پایانی لیگ لهستان ۷۰ امتیازی شد تا به واسطه یک امتیاز بیشتر از راکو چستوهووا، عنوان قهرمانی را از آن خود کند و جام را بالای سر ببرد؛ جامی که افتخاری متفاوت و رکوردی قابل توجه برای قلی‌زاده به جای گذاشت.



نخستین قهرمانی لژیونرهای فعلی ایران در اروپا را علی قلی‌زاده به نام خود ثبت کرد. او که فصل گذشته به دلیل مصدومیت‌های پی‌درپی نتوانسته بود عملکرد خوب و قابل قبولی از خود به نمایش بگذارد، این فصل با ارائه نمایشی متفاوت، تحسین کارشناسان لهستانی را برانگیخت. وینگر ایرانی لخ پوزنان این فصل با هشت گل زده و پنج پاس گل توانست در ۱۳گلی که برای تیمش به ثمر رسیده تأثیرگذار باشد و همین دلیل خوبی بود تا لوکاس ویسنیوفسکی، کارشناس لهستانی در یک برنامه تلویزیونی، به تمجید از قلی‌زاده بپردازد: «هرای من، علی قلی‌زاده مهره کلیدی خط حمله لخ پوزنان است؛ بازیکنی که انگار از نو متولد شده. عملکرد او در زمین کمک زیادی به سوسا (یکی از بازیکنان لخ پوزنان) می‌کرد و کاملاً مشخص بود که هماهنگی خوبی بین این دو نفر وجود دارد؛» تعریف و تمجیدی که نشان داد قلی‌زاده نتوانسته تاکامی‌های فصل قبل را جبران کند و به مهره‌ای تأثیرگذار در لخ پوزنان تبدیل شود و به واسطه همین عملکرد قابل قبول بود که جزو ۱۱بازیکن برتر فصل انتخاب شد. هافبک ایرانی لخ پوزنان در پنج هفته پایانی لیگ لهستان (کسترا کلاسا) پنج گل تأثیرگذار و حیاتی برای تیمش به ثمر رساند تا هم به عنوان بهترین وینگر لیگ انتخاب شود و هم تأثیر قابل توجهی در قهرمانی این تیم داشته

روزهای سخت کاپیتان

نیمکت‌نشین هیرنفین کرد؛ مصدومیتی که تا پایان فصل ادامه داشت و حالا هم می‌تواند به جدایی او از فوتبال منجر هلدند شود. با توجه به اینکه قرار داد جهانیخش با هیرنفین در پایان فصل جاری به اتمام می‌رسد، این مصدومیت به نوعی پایان همکاری او با این باشگاه هلندی را رقم زده است. جهانیخش که تاکنون ۹۲بار پیراهن تیم ملی ایران را بر تن کرده، قصد دارد در فصل آینده مسیری جدید در خارج از فوتبال هلند را دنبال کند.

او پیش‌تر نیز به دنبال تجربه‌ای جدید در خارج از اردیو بسه بود، اما برای نهایی کردن دریافت پاسپورت هلندی‌اش، تصمیم گرفت در هلند بماند و به هیرنفین بپیوندد. این انتقال در ماه نوامبر سال گذشته و پس از چند ماه بدون باشگاه‌بودن او پس از جدایی از فاینورد، نهایی شد. به این ترتیب، حضور جهانیخش در فوتبال باشگاهی هلند که با اوج‌گیری در نایمخن، درخشش در الکمار، چالش در برایتون انگلیس و بازگشت به فاینورد همراه بود، به پایان خود در تیم هیرنفین رسید؛ پایانی بی‌سروصدا اما به‌تیرات تجربه‌ای برای یکی از پرافتخارترین لژیونرهای فوتبال ایران.



بازی نکردن برای یک فوتبالیست و نیمکت‌نشین‌های مداوم بدترین اتفاق ممکن است. یک فوتبالیست اگر نتواند خود را به سرمربی تیمش اثبات کند، حتماً روزهای سختی را پشت سر خواهد گذاشت؛ روزهایی که حتی با تمرینات مداوم و پیگیر هم نمی‌تواند جبران شود و حتی احتمال مصدومیت هم در این شرایط بسیار بالا می‌رود. علیرضا جهانیخش، کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران فصل قبل را در چنین شرایطی پشت سر گذاشت؛ یک فصل کابوس‌وار و کاملاً ناموفق!

شاید کمتر کسی تصورش را داشت که علیرضا جهانیخش، کاپیتان خوش اخلاق و خوش تکنیک تیم ملی ایران بعد از سال‌ها درخشش در فوتبال هلند ناگهان با افتی فاحش روبه‌رو شود؛ افتی که باعث شود حتی زمزمه‌های بازگشت او به فوتبال ایران هم شنیده شود و برخی از تیم‌ها سوسه شوند با او پای مذاکره بنشینند. مثل همیشه پای سرخابی‌های پاینخت در میان است اما کاپیتان جهانیخش نمی‌خواهد به همین راحتی دوران خویش در فوتبال اروپا را به پایان برساند، هر چند جبر زمانه و بالا رفتن سن (۳۱سال) چیزهایی است که کنترل آنها از دست جهانیخش خارج است و در نهایت هم مجبور است مقابل‌شان دست‌ها را به علامت تسلیم بالا ببرد. یک مصدومیت ناخواسته و شدید او را در عملاً تبدیل به